

بررسی میزان نشاط اجتماعی نوجوانان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر پلدختر و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن

دکتر اسحق ارجمند سیاه‌پوش^۱، دکتر داریوش رضاپور^۲ و خدیجه حسن‌پور افرینه^۳

تاریخ وصول: ۹۶/۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۲۳

چکیده:

نشاط در زندگی، احساس خوشبختی، اعتماد متقابل و احساس تعهد و موارد مشابه همه در یک دسته فرهنگی قرار می‌گیرند و نشانه‌ی نگرش فرد نسبت به خود و جهان پیرامونی است. هدف این پژوهش بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان نشاط اجتماعی نوجوانان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر پلدختر می‌باشد. روش مطالعه‌ی تحقیق پیمایشی و شیوه‌ی جمع‌آوری داده‌ها استفاده از پرسشنامه‌ی ساختار یافته بوده است. جامعه‌ی آماری پژوهش را کلیه‌ی مددجویان نوجوان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی شهر پلدختر تشکیل داده، که بنابر آمار، ۵۰۶ نفر بوده و با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۱۹ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. نتایج پژوهش نشان داد که بین متغیرهای مستقل احساس آنومی، احساس محرومیت نسبی، درآمد، اعتماد اجتماعی و دینداری با متغیر وابسته نشاط اجتماعی نوجوانان رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ همچنین نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشاط اجتماعی نشان داد که متغیرهای درآمد، احساس محرومیت نسبی و اعتماد اجتماعی توانسته‌اند $R^2=0/449$ از واریانس نشاط اجتماعی را تبیین کنند.

مفاهیم کلیدی: احساس آنومی، احساس محرومیت نسبی، اعتماد اجتماعی، نشاط اجتماعی، شهر پلدختر

^۱ استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اندیمشک (نویسنده‌ی مسئول)
e.arjmand@yahoo.com

^۲ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور تهران d.rezapour@gmail.com

^۳ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر hasanpour@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

نشاط یا شادمانی واژه‌ای است که معانی مختلفی چون لذت آنی، لذت طولانی مدت و لذت از کل زندگی را شامل می‌شود. نشاط، سه جز اساسی دارد که عبارتند از: هیجانان مثبت، رضایت از زندگی و فقدان عواطف. نشاط اساسی‌ترین بحث انسانی برای تمام نسل‌ها است و مرکزی‌ترین محرک اهداف بشری است. نشاط، موجب نگرش مثبت به زندگی، خودپنداری مثبت، برخورداری از سلامت روان و تعادل عاطفی، امیدواری به آینده، نگرش مطلوب و رضایت‌آمیز به خود و دیگران، روابط اجتماعی متعادل، دوری از کینه و نفرت، انتخاب آگاهانه‌ی اهداف زندگی، تلاش برای تحقق اهداف، دوری از اتلاف وقت و کاهلی، افزایش موفقیت‌های زندگی، برخورداری از شاخص‌های بالای زندگی، عملکرد بهتر سیستم ایمنی در مقابل استرس‌ها، خواب بهتر، تمایل بیشتر در کمک به دیگران، عملکرد بهتر شغلی - تحصیلی و تصمیم‌گیری بهتر می‌گردد. عوامل مؤثر بر نشاط بسیارند و از جمله آن‌ها می‌توان خانواده، محیط اجتماعی و شغلی، میزان درآمد، تحصیلات، هوش، ارزش‌ها، باورها، اعتقادات و برخی خصوصیات شخصیتی، سلامت جسمانی و روانی، پیوندهای عاطفی، اعتماد به نفس بالا، داشتن حمایت‌های اجتماعی، رضایت از ازدواج، رضایت و لذت بردن از محیط کار، میزان آزادی در خانه، رعایت حقوق زنان در جامعه، دوست داشتن دیگران و طبیعت، فعالیت در امور خیریه و هدفمند بودن زندگی را نام برد. نشان داده‌اند که افراد ناشاد و ناراضی از زندگی، بیش از افراد شاد و راضی از زندگی از افسردگی و اضطراب و پیامدهای این دو اختلال رنج می‌برند؛ اقدام به خودکشی و مرگ و میر در آنان بیشتر است و عمر کوتاه‌تری دارند؛ همچنین، بزهکاری و اعتیاد در این گروه بیشتر دیده می‌شود (شریفی و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۳).

هر انسانی در زندگی خود به دنبال یافتن شادی، نشاط و خوشبختی در آینده است، در واقع می‌توان گفت احساس نشاط یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌های ما برای مقابله با مشکلات است. انسان‌ها همگی با مسائل و مشکلات گوناگونی می‌شوند، مسئولیت‌های جدید می‌پذیرند و خود را با تغییرات سازگار می‌کنند. این شرایط حتی شخصیت‌های قوی را تحت فشار قرار می‌دهد. توانایی در کسب نشاط به انسان استقامت می‌دهد تا از عهده‌ی مشکلات برآید. نشاط واقعی به این بستگی دارد که انسان نیازهای درونی و پنهانی خود را از طریقی که جامعه و هنجارهای معمول آن را قبول دارد، برآورد (هزارجریبی و آستین‌فشان، ۱۳۸۸: ۱۲۱). جامعه از سویی به وجود آورنده‌ی شرایطی است که می‌تواند فرد را به سوی تحقق اهداف و آرزوهای فردی سوق دهد و از سوی دیگر زمینه‌ساز تحقق

فضایی است که فرد می‌تواند به کنش متقابل و ارتباط با هموعانی که باعث ایجاد آرامش، امنیت و اطمینان خاطر وی برای یک زندگی مناسب باشند، مبادرت ورزد. نشاط در زندگی، ترکیبی است از شرایط فردی و اجتماعی و در واقع خود نشانه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به جهان و محیطی که فرد را فرا گرفته و در آن زندگی می‌کند. نشاط در زندگی، احساس خوشبختی، اعتماد متقابل و احساس تعهد و موارد مشابه همه در یک دسته‌ی فرهنگی قرار دارند و نشانه‌ی نگرش فرد به خود و جهان پیرامونی است (ازکمپ، ۱۳۷۳: ۶۶).

مطالعه‌های محققین نشان می‌دهد، مسائل غیر مادی مثل عدالت اجتماعی، اندام‌وارگی جامعه، عدم تبعیض، نبود فقر، نداشتن دلهره‌های اجتماعی و اقتصادی، احساس امنیت روانی و اجتماعی، تکریم علم و عالم، سهولت اجرای قوانین، وجود موفقیت‌های ملی و بین‌المللی در عرصه‌های علمی، فناوری، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، معنویت اجتماعی، مشاهده‌ی رگه‌های رفتار دینی در جامعه گرفته تا مصادیق عینی مانند شهرسازی منطبق بر معماری معنوی و بومی، تظاهر رنگ در شهر و روستا، توجه به محیط زیست و صدها عامل دیگر می‌تواند در شکل‌گیری نشاط اجتماعی مؤثر باشد (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸).

آمار رسمی از وضعیت نشاط اجتماعی در دست نیست. به اعتقاد کارشناسان هم اکنون نشانه‌های صریحی از افسردگی، عواطف منفی و روان رنجوری در جوامع به چشم می‌خورد که پیامدهای نظیر پائین آمدن سن خودکشی، افزایش طلاق و بزهکاری، ترک کار و بسیاری مشکلات روحی - اجتماعی را در برداشته و به‌طوری که گویا شادی از جوامع رخت بر بسته است و فرسودگی جانشین آن گردیده است (آرگایل، ۱۳۸۲).

جامعه‌ی ایران به لحاظ مواجه شدن با تحولات ساختاری همانند افزایش سالانه‌ی جمعیت، مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و همچنین گذر از سنت به مدرنیته و در آستانه‌ی ورود به عرصه‌ی دنیای تکنولوژی، شاهد بروز پدیده‌های مختلفی در حوزه‌ی امنیت و آسیب‌های اجتماعی است که این موضوع نشاط و شادی جامعه‌ی ایران را بیشتر از گذشته تحت تأثیر قرار داده است و جامعه‌ی مورد مطالعه (نوجوانان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) شهر پلدختر) نیز از این قاعده مستثنی نیست. طبق پژوهش‌هایی که در برخی از استان‌های ایران از قبیل تهران، لرستان و ... انجام شده است، وضعیت نشاط اجتماعی متوسط رو به پایینی می‌باشد (هزارجریبی و آستین‌فشان، ۱۳۸۸؛ ربانی و همکاران، ۱۳۸۸).

با این حال نوجوانان به عنوان قشر آینده‌ساز جامعه در مرحله‌ی حساسی از زندگی خود قرار دارند که یکی از نیازها و ضرورت‌های اساسی این دوره، نشاط است. بی‌شک افزایش نشاط می‌تواند کارایی فرد را به طرز قابل توجهی افزایش دهد. از این‌رو پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که نشاط اجتماعی در بین نوجوانان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) شهر پلدختر چگونه است؟ عوامل مرتبط با نشاط اجتماعی کدام‌اند؟ چه راه‌کارهایی برای ارتقای نشاط اجتماعی نوجوانان وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

محسنی (۱۳۷۹)، در پژوهشی با عنوان «بررسی نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران»، با هدف شناختی کلی از آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی ساکنین مناطق شهری ایران به منظور طراحی پیکره‌ی اجتماعی - فرهنگی ایران در دهه‌ی معاصر، انجام گرفت. نتایج این پژوهش در زمینه‌ی میزان رضایت از زندگی حکایت از آن دارد که، سطح نارضایتی کامل از زندگی برابر با ۷/۶ درصد و نسبت افراد کاملاً راضی نیز برابر با ۶۵/۷ درصد است. نسبت آن‌ها که عقایدی در حد وسط دارند و اظهار می‌کنند تا حدی از زندگی خود راضی هستند به ۲۵/۷ درصد می‌رسد. در این پژوهش رابطه‌ای بین جنسیت و سن با رضایت از زندگی مشاهده نشد. اما، بین میزان تحصیلات، وضعیت تأهل و درآمد خانوار با رضایت از زندگی رابطه مشاهده گردید به این صورت که: ۱- با افزایش سطح سواد میزان رضایت از زندگی نیز افزایش می‌یابد؛ ۲- با افزایش سطح درآمد خانوار بر میزان رضایت پاسخگویان افزوده می‌شود و ۳- پایین‌ترین میزان رضایت به افراد طلاق گرفته اختصاص دارد و پس از آن افراد همسر فوت شده قرار دارند. میزان رضایت افراد ازدواج نکرده با افراد همسر دار نیز تقریباً برابر است (محسنی، ۱۳۷۹).

چلیبی و موسوی (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان» به دنبال بررسی شناخت عوامل مؤثر بر شادمانی در ایران بودند. نتایج این پژوهش نشان داد که سطح شادمانی در جامعه‌ی ایران پایین و بیش از نیمی از افراد میزان شادمانی‌شان کمتر از حد متوسط است. همچنین با نگاه همزمان به نتایج سطوح خرد و کلان می‌توان اظهار کرد که یکی از عواملی که بدون واسطه‌ی دیگر متغیرها، شادمانی افراد را تا حد زیادی افزایش می‌دهد، روابط اعتمادآمیز است که در این

پژوهش این عامل در سطوح خرد از طریق متغیر انزوای اجتماعی و در سطح کلان تحت عنوان سرمایه‌ی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج پژوهش، در مورد تأثیر عوامل مادی بر شادمانی می‌توان گفت که در سطح خرد همراه با افزایش درآمد، افزایش چندانی در میزان شادمانی افراد به وجود نمی‌آید، اما در سطح کلان میانگین شادمانی افراد در کشورهای کم درآمدتر است؛ همچنین یافته‌های پژوهش در سطح خرد و کلان حکایت از آن دارد که روابط اولیه به ویژه در خانواده، نقش محوری در تأمین شادمانی افراد دارد (چلبی و موسوی، ۱۳۸۸: ۳۴-۵۷).

هزارجریبی و آستین‌فشان (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی (با تأکید بر شهر تهران)» در پی شناسایی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی به‌عنوان یکی از پارامترهای توسعه‌ی اجتماعی بودند. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل افراد ۱۵ تا ۶۵ سال ساکن در استان تهران و حجم نمونه ۲۰۰۰ نفر بود. نتایج حاصل از همبستگی متغیرها نیز نشان داد که کلیه‌ی متغیرهای مستقل به غیر از متغیر بیگانگی اجتماعی رابطه‌ی معناداری با متغیر وابسته دارند؛ همچنین بین احساس محرومیت نسبی و نشاط اجتماعی ارتباط منفی و معکوس وجود دارد. بدین معنا که با افزایش احساس محرومیت، نشاط اجتماعی در بین افراد کاهش می‌یابد. اما، بین امید به آینده مقبولیت اجتماعی، ارضای نیازها، عدالت اجتماعی، پایبندی به ارزش‌ها، مناسب بودن فضای اخلاق عمومی، همبستگی اجتماعی، احساس امنیت با نشاط اجتماعی رابطه‌ی مثبت و مستقیم وجود دارد و با افزایش هر کدام از متغیر، احساس نشاط نیز بالا می‌رود. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان می‌دهد که از بین متغیرهای تأثیرگذار، سه متغیر امید به آینده، مقبولیت اجتماعی و ارضای نیازهای عاطفی بیش از ۵۰ درصد از واریانس نشاط اجتماعی را تبیین می‌کنند و بر اساس ضرایب بتا متغیر امید به آینده بالاترین همبستگی مثبت را با نشاط دارد. در مرتبه‌ی بعدی به ترتیب متغیر مقبولیت اجتماعی، ارضای نیازهای عاطفی و احساس عدالت اجتماعی بیشترین تأثیر خود را در افزایش نشاط اجتماعی دارند (هزارجریبی و آستین‌فشان، ۱۳۸۸).

ب) تحقیقات خارجی

گاون و سورن سن^۱ (۲۰۰۷)، در پژوهشی با عنوان «بهزیستی ذهنی، همراه با چشم و هم چشمی» در پی بررسی رابطه‌ی بین درآمد و نشاط در ایالات متحده بودند. این پژوهش از داده‌های مربوط به پیمایش اجتماعی عمومی^۲ استفاده کرده است. نتایج این پژوهش حکایت از آن دارد که: ۱- کسب یک درآمد غیر منتظره باعث افزایش سطح نشاط خواهد شد؛ ۲- میزان نشاط افراد همیشه ثابت نمی‌ماند؛ ۳- درآمد نسبی (درآمد افراد در مقایسه با سایر افراد هم سن در یک گروه شغلی و در یک منطقه) نسبت به درآمد مطلق، بیشتر می‌تواند نشاط را پیش‌بینی کند؛ ۴- درکی که فرد در مورد درآمد نسبی خود دارد بیشتر از «درآمد نسبی» می‌تواند بهزیستی (نشاط) افراد را تبیین کند.

اسنوپ^۳ (۲۰۰۸)، در پژوهشی با عنوان «دینداری و نشاط در سه کشور» به دنبال بررسی رابطه‌ی بین دینداری و نشاط اجتماعی در سه کشور ایالات متحده، دانمارک و هلند بود. در این پژوهش برای سنجش نشاط از گویه «به‌طور کلی تا چه حد از زندگی خود راضی هستید؟ استفاده گردید. به‌طور کلی نتایج حاکی از آن است که بین دینداری و نشاط رابطه‌ی مثبت وجود دارد. این رابطه در ایالات متحده قوی‌تر از دانمارک و هلند است. بنابراین محقق نتیجه می‌گیرد که در کشورهایی که کلیسا دارای کارکردهای اجتماعی و اقتصادی بیشتری است (ایالات متحده) و اکثریت مردم مؤمن (معتقد) هستند، رابطه‌ی بین دینداری و نشاط قوی‌تر است تا در کشورهایی که کلیسا کارکردهای خود را از دست داده و مؤمنان در اقلیت هستند (دانمارک و هلند).

رگو و کانا^۴ (۲۰۰۹)، در پژوهشی با عنوان «رویکردهای خردگرایانه / جمع‌گرایانه چگونه در یک فرهنگ جمع‌گرا پیش‌بینی‌کننده‌ی نشاط هستند»، به دنبال بررسی تأثیر جهت‌گیری‌های فردگرایانه / جمع‌گرایانه کارمندان بر احساس بهزیستی هنگام کار کردن بودند. جامعه‌ی آماری این پژوهش کلیه‌ی کارکنان کشور پرتغال بوده و از میان آن‌ها ۱۶۱ کارمند از ۱۰۹ سازمان انتخاب شدند. نتایج این پژوهش عبارتند از: ۱- افراد جمع‌گرا احساس بهزیستی بالاتری نسبت به فردگراها نشان می‌دهند؛ ۲- این رابطه توسط درک کارمند در مورد روحیه‌ی رفاقت و اعتماد در سازمان‌شان تعدیل می‌شود؛ ۳- سطوح بالاتر بهزیستی مربوط به افراد جمع‌گرایی است که معتقد باید در محیطی کارکرد که دارای

^۱ Guven and Sorensen

^۲ general social survey

^۳ Snoep, L.

^۴ Rego and Cunha

روحیه‌ی بالای رفاقت و اعتماد باشد و میزان پایین‌تر احساس بهزیستی خاص کارکنانی است که احساس می‌کنند در محیط کاری‌شان روحیه‌ی رفاقت ضعیفی دارد. نویسندگان این مقاله تأکید می‌کنند که نشاط کارکنان در فرهنگ‌های مختلف تحت تأثیر عوامل مختلفی است و جهت‌گیری‌های فردگرایانه / جمع‌گرایانه در زمینه‌های فرهنگی و سازمانی مختلف به یک شکل عمل نمی‌کند.

شارما و ماله هوترا^۱ (۲۰۱۰)، در پژوهشی با عنوان «عوامل اجتماعی و روانشناختی مؤثر بر نشاط در بین نوجوانان» به دنبال بررسی رابطه‌ی ثبات عاطفی، سختی شخصیت^۲، دینداری و حمایت اجتماعی با میزان نشاط در بین نوجوانان منطقه‌ی هیمآچل پرادش^۳ در هند بودند. حجم نمونه‌ی این پژوهش ۵۰۰ نفر بوده که از نواحی روستایی و شهری و خانواده‌های هسته‌ای و گسترده به صورت تصادفی انتخاب شدند. نتایج پژوهش نشان داد که ثبات عاطفی و سختی شخصیت، دینداری و حمایت اجتماعی با نشاط اجتماعی دارای روابط مثبت و معنادار هستند. تحلیل رگرسیون مشخص نمود که در خانواده‌های هسته‌ای، دینداری، حمایت اجتماعی و ثبات عاطفی ۲۱ درصد از واریانس نشاط را تبیین می‌کنند. در حالی که در خانواده‌های گسترده فقط ثبات عاطفی و حمایت اجتماعی پیش‌بینی‌کننده‌های معنادار نشاط هستند و ۱۴ درصد از واریانس نشاط را تبیین می‌کنند. در نواحی روستایی، ثبات عاطفی، حمایت اجتماعی و دینداری ۲۶ درصد و در نواحی شهری ثبات عاطفی، حمایت اجتماعی و سختی شخصیت ۲۲ درصد از واریانس نشاط را تبیین می‌کنند. در پایان پژوهشگران بدین نتیجه رسیدند که علاوه بر شخصیت، عوامل اجتماعی نیز در تعیین میزان نشاط افراد مؤثرند.

چارچوب نظری پژوهش

با توجه به اینکه طرح چارچوب نظری می‌تواند از میان نظریات موجود با توجه به موضوع پژوهش انتخاب شود، لذا برای چارچوب نظری در این پژوهش از نظریه‌ی نظریه‌پردازانی همچون اینگلههارت، سلیگمن، داینر، فوجیتا، دایز، ساندویچ، داینر، لین، دورکیم، مرتون و گار در مورد نشاط اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن استفاده می‌شود.

¹ Sharma and Malhotra

² personality hardness

³ Himachal Pradesh

به باور دورکیم تقسیم فزاینده کار اجتماعی دلالت‌های مهمی برای پیوستگی^۱ اجتماعی داشته است. از یک سو، وی ادعا کرد که تمایزیابی کارکردی منجر به تمایزیابی اجتماعی فزاینده می‌گردد. در نتیجه، همبستگی مکانیکی، که مبتنی بر شباهت اجتماعی است، تضعیف می‌گردد. از سوی دیگر، تقسیم کار شکل جدیدی از پیوستگی اجتماعی ایجاد می‌کند، یک همبستگی ارگانیک که مبتنی بر تفاوت‌های فردی است (بالمان، ۲۰۰۰: ۴۰۰-۳۷۵). به نظر وی، هیچ تضمینی وجود ندارد که تغییر از همبستگی مکانیک به ارگانیک با موفقیت قرین گردد. در حقیقت دورکیم از این می‌ترسید که پویایی توسعه‌ی اقتصادی، جدال بین سرمایه و کار و تفکیک (جدایی) فزاینده‌ی علوم منجر به یک شکل غیر عادی تقسیم کار گردد که باعث ایجاد یک همبستگی نوین نشود. دورکیم، تهدید برای پیوستگی اجتماعی را در بحران‌های اجتماعی می‌دید که باعث تضعیف پیوندهای بین افراد و جامعه می‌گردد و این حالت بی‌قانونی را اصطلاحاً «آنومی» نامید. به باور او پیامدهای فروپاشی یکپارچگی اجتماعی عبارتند از: بی‌ریشگی^۲، ایزوله شدن افراد در اجتماع و افزایش میزان خودکشی (همان). بنابراین، مفهوم پایه‌ی دورکیم برای بیان ناهنجاری‌های جامعه‌ی مدرن، مفهوم «آنومی» است. در تفکر وی، آنومی باعث کاهش میزان «نشاط» می‌گردد. سپس وی استدلال می‌کند که آنومی در جامعه‌ی مدرن با افزایش تحرک اجتماعی و تغییر اجتماعی اجباری شدت می‌گیرد و پیامد این فرآیند، عدم نشاط است. رابرت مرتون^۳ معتقد است که در جوامع باز به لحاظ طبقاتی که امکان رقابت و ارتقاء در سلسله مراتب اجتماعی در آن‌ها وجود دارد؛ جامعه‌ی اهداف مطلوب اجتماعی را برای همه‌ی افراد تجویز می‌کند اما وسایل دستیابی به این اهداف را یکسان بین اعضای جامعه توزیع نمی‌کند. برای مثال طبقات پایین‌تر جامعه به اندازه‌ی طبقات بالاتر جامعه آرزومندی‌ها و امکانات شکافی پیش می‌آید که فرد را دچار ناکامی و احساس خصومت نسبت به نظم هنجاری می‌کند. افراد در مقابل بروز این شکاف یکسان پاسخ نمی‌دهند و با توجه به میزان پذیرش اهداف و وسایل شروع به واکنش می‌کنند (کیا و امیری، ۱۳۹۱: ۱۴۸). علاوه بر این از دیدگاه گار^۴ نارضایتی‌های اجتماعی همیشه در نتیجه‌ی بروز احساس محرومیت نسبی و حالت روانی به انسان‌ها دست می‌دهد. به اعتقاد وی شرایط بروز احساس محرومیت، یگانه و همانند نیست، بلکه می‌توان انواع گوناگون و شرایط متعدد

^۱ cohesion

^۲ rotlessness

^۳ Robert K. Merton

^۴ Gurr

بروز آن را از یکدیگر تفکیک کرد. گار سه نوع محرومیت را از یکدیگر تفکیک می‌کند: اول محرومیت ناشی از کاهش امکانات که در آن توقعات ثابت باقی می‌ماند، دوم، ناکامی ناشی از افزایش سطح توقعات که در آن امکانات نسبتاً ثابت باقی می‌ماند. سوم، ناکامی فزاینده که در آن توقعات افزایش یافته و امکانات کاهش می‌یابند. بر اساس دیدگاه محرومیت نسبی، فرد به مقایسه‌ی خود با افراد دیگر و گروه مرجع دست می‌زند و دوست دارد که شرایط مشابه با آن‌ها را داشته باشد و اگر در نتیجه مقایسه برای فرد چنین پنداشتی بروز نماید که بر اساس میزان سرمایه‌گذاری و تلاش، پاداش و نتیجه‌ای که عایدش شده، در مقایسه با دیگران عادلانه و منصفانه نیست، دچار احساس محرومیت نسبی گردیده و این امر باعث بروز نارضایتی و عدم نشاط در دو سطح فردی و اجتماعی می‌گردد (هزارجریبی و آستین‌افشان، ۱۳۸۸: ۱۴۶-۱۱۹).

دین و مذهب به دلیل کارکردهای متعددی که دارند می‌توانند بر شادی افراد مؤثر واقع شوند؛ مثلاً مذهبی بودن می‌تواند به‌عنوان مانعی در مقابل فشار روانی عمل کند و آثار زیانبار آن را بر طرف نماید که این موضوع در نهایت به ظهور احساسات و هیجانات مثبت منجر می‌شود. به باور سلیگمن مذهب دست کم به دو طریق در افزایش سطح نشاط مؤثر است: نخست اینکه مذهب ارائه‌دهنده‌ی یک نظام منسجم اعتقادی است که به انسان این امکان را می‌دهد تا برای زندگی به جست و جوی معنی بپردازد و برای آینده امید بیابد. دوم این‌که نظام‌های اعتقادی مذهبی کمک می‌کند تا فرد دلایل قابل قبول و دست کم آرامش‌بخشی را برای توجیه ناکامی‌ها، شکست‌ها و مصائب زندگی خود بیابد. سوم اینکه افرادی که واقعاً مذهبی هستند و عنصر مذهب در اعتقادات آن‌ها نیرومند است، گرایش کمتری نسبت به انحرافات دارند و رفتارهای نیکو، جامعه‌پسند و انسان‌دوستانه‌ی بیشتری انجام می‌دهند (شهیدی، ۱۳۸۸: ۶۵). علاوه بر این اینگلههارت معتقد است که سطوح بالای مذهب با سطوح بالای بهزیستی ذهنی (نشاط) همراه است. وی بیان می‌کند که: "یک دلیل برای وقوع چنین امری، این است که مذهب نوعی احساس «قابلیت پیش‌بینی» و «امنیت» را خصوصاً در شرایط عدم امنیت اقتصادی برای افراد فراهم می‌آورد؛ و بدین طریق در کاهش احساس ناامنی و به تبع آن افزایش نشاط مؤثر می‌افتد (نوریس و اینگلههارت، ۲۰۰۴).

به نظر گیدنز، ماهیت نمادهای مدرن عمیقاً وابسته به مکانیسم‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی به ویژه نظام‌های تخصصی است. به همین دلیل، تماس با متخصصان یا نمایندگان‌شان به شکل روبه‌رویی در جوامع مدرن، بسیار مهم است. روبه‌رویی با نمایندگان

نظام‌های انتزاعی را البته می‌توان تحت قاعده درآورد و این روبه‌رویی‌ها به آسانی ممکن است قابلیت اعتماد در دوستی و نزدیکی‌ها را به خود گیرند. برای مثال این قضیه در مورد تماس با پزشکان، دندان‌پزشکان و یا کارکنان مؤسسات سیر و سفر که به گونه‌ای منظم و طی یک دوره‌ی چندین ساله انجام می‌گیرد، صادق است. در نقاط دسترسی، پایبندی‌های چهره‌داری که کنش‌گران غیر متخصص را در روابط اعتمادی قرار می‌دهند. که معمولاً مستلزم نمایش قابلیت اعتماد و صداقت آشکارند، با رویکردی از وضعیت عادی یا «آسوده‌خاطری» همراه می‌شوند که همین امر رد ایجاد احساس «شادمانی» یا «نشاط» مؤثر می‌افتد.

سپس گیدنز به شرایطی اشاره می‌کند که در آن شرایط، نبود اعتماد را می‌توان با بی‌اعتمادی در مورد نظام‌های انتزاعی مشخص کرد. در این ارتباط، بی‌اعتمادی به معنای شک داشتن از داعیه‌های مهارتی است که یک نظام تخصصی با خود یدک می‌کنند و یا داشتن یک رویکرد جداً منفی نسبت به آن است. گیدنز اشاره می‌کند که نتیجه‌ی چنین شرایطی، شکل‌گیری «اضطراب وجودی» دائمی است. به اعتقاد وی نقطه‌ی مقابل اعتماد به عمیق‌ترین معنای آن، حالتی ذهنی است که خلاصه‌اش همان «نگرانی» یا «هراس وجودی» است. بنابراین اعتقاد گیدنز بر این است که اعتماد به نظام‌های انتزاعی، خصوصاً نظام‌های تخصصی، باعث احساس امنیت، آرامش و نشاط و فقدان این اعتماد موجد احساس دلهره و اضطراب خواهد بود (گیدنز، ۱۳۷۷).

داینر و همکاران (۱۹۹۹)، بر این باور بودند که میزان نشاط و شادمانی زنان و مردان برابر است، اما هنگامی که افسردگی را در نظر می‌گیریم، موضوع تا حدودی پیچیده می‌شود. به این صورت که با وجود شادی یکسان زنان و مردان، افسردگی در زنان بیشتر از مردان است. توضیح این امر توسط داینر و همکاران این است که زنان نسبت به مردان، هم عاطفه‌ی منفی و هم عاطفه‌ی مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند و برآیند این دو عاطفه، شادی و نشاط زنان و مردان را یکسان می‌سازد؛ فوجیتا، دایز و ساندویچ^۱ (۱۹۹۱)، نیز بر همین اعتقاد هستند. معمولاً همه اعتقاد دارند که زنان نسبت به مردان احساساتی‌ترند، ولی شواهد زیادی در تأیید این نظر وجود ندارد. زن و مرد از نظر نشاط و شادمانی و رضایت کلی با یکدیگر متفاوت نیستند، مهم‌ترین تفاوت احساسی بین زن و مرد این است که زنان تغییرپذیری بیشتری دارند، یعنی هم عاطفه‌ی مثبت و هم عاطفه‌ی منفی بیشتری دارند. زنان ۵۰ درصد بیشتر از اضطراب و روان‌رنجوری رنج می‌برند و هیجان منفی بیشتری

^۱ Fvlyta, Diaz and Sandvic

در زندگی روزمره دارند و دو برابر مردان دچار افسردگی می‌شوند. علاوه بر جنسیت، شرایط مادی نیز یکی از متغیرهای است که بر سطح شادمانی افراد تأثیر دارد. یکی از پیروان این دیدگاه لین (۲۰۰۰)، است که اعتقاد دارد تأکید بر پول منجر به حاشیه رانده شدن حوزه‌های خصوصی و خودمانی و در نتیجه تشدید اضطراب‌ها و کاهش رضایت و شادمانی شده است. اینگلهارت (۱۳۷۳)، تغییر در شرایط حیات عینی انسان‌ها را به دو بخش کوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم کرده و استنباط می‌کند تغییر وضعیت عینی در کوتاه‌مدت ممکن است احساس آنی رضایت یا نارضایتی به دنبال داشته باشد اما در بلندمدت با بالا رفتن سطح امنیت اقتصادی و جانی افراد در جوامع، به مرور اهداف فرامادی جای اهداف مادی را گرفته و در این شرایط سطح بالای درآمد نقش خود را در بالا سطح شادمانی افراد از دست می‌دهد (چلبی و موسوی، ۱۳۸۸: ۳۶).

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد بین احساس آنومی و میزان نشاط اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین احساس محرومیت نسبی و میزان نشاط اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین دینداری و میزان نشاط اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین اعتماد اجتماعی و میزان نشاط اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۵- به نظر می‌رسد بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، درآمد خانوار و محل سکونت) و میزان نشاط اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش مبتنی بر روش «پیمایش» است. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش اسنادی، فیش‌برداری و استفاده از اینترنت است و در بخش پیمایشی استفاده از «پرسشنامه» می‌باشد. پرسشنامه‌ی تهیه شده در این پژوهش جمعاً شامل ۶۳ سؤال می‌باشد که ۷ سؤال اول آن مربوط به متغیرهای زمینه‌ای پژوهش (سن، جنس، درآمد خانوار و محل سکونت) و ۴۴ سؤال باقیمانده برای سنجش سایر متغیرهای مستقل و متغیر وابسته‌ی پژوهش

هستند. سؤالات موجود در این پرسشنامه در سطوح مختلف سنجش اسمی، ترتیبی و فاصله‌ای هستند اما اغلب سؤالات بر پایه‌ی مقیاس ترتیبی لیکرت طراحی شده‌اند. جامعه‌ی آماری پژوهش کلیه‌ی مددجویان نوجوان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) شهر پلدختر در سال ۱۳۹۵ هستند، که بنابر آمار ۵۰۶ نفر در نظر گرفته شده است. در این پژوهش با توجه به تنوع جامعه‌ی آماری و گستردگی روستاهای پلدختر، نمونه‌گیری به صورت چند مرحله‌ای انجام شده و بر این اساس حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۱۹ نفر در نظر گرفته شد. پرسشنامه‌ی پژوهش پس از طراحی جهت اعتبار صوری^۱ در اختیار متخصصان و کارشناسان دانشگاهی قرار گرفت. اظهارنظر این افراد در راستای سنجش گویه‌های هر طیف، در نهایت به گزینش گویه‌های مناسب برای هر طیف منجر شد. برای به دست آوردن پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ^۲ استفاده به عمل آمده است. آلفای کرونباخ هر کدام از متغیرهای در جدول زیر آورده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، آنالیز واریانس یک‌راهه (*One-Way ANOVA*)، اسپیرمن و تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده و در نهایت از نرم‌افزار SPSS ۱۶ بهره گرفته‌ایم.

جدول ۱: ضرایب آلفای کرونباخ متغیرها

متغیرها	ضریب آلفای کرونباخ
احساس انومی	٪۷۲
دینداری	٪۷۸
احساس محرومیت نسبی	٪۸۱
اعتماد اجتماعی	٪۷۹

تعریف متغیرهای پژوهش

- *نشاط اجتماعی*: نشاط اجتماعی به احساس مثبت فرد و رضایت خاطر او از زندگی مربوط می‌شود. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که نشاط، عواطف مثبت، تعادل عاطفی^۳ و رضایت خاطر عوامل شخصیتی هستند که با هم همبستگی بالایی دارند (کار، ۲۰۰۴: ۷۹).

^۱ face validity

^۲ Cronbach's Alpha

^۳ emotional balance

- احساس آنومی: منظور از احساس آنومی یا آشفتگی اجتماعی، وضعیتی بی‌قاعده و بی‌هنجاری است که در آن افراد قادر نیستند یک نظام "قواعد مشترک" ارتباط متقابل برقرار کنند و نیازهای خود را ارضاء نمایند؛ در نتیجه نظم فرهنگی و اجتماعی از هم پاشیده می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۸۷: ۱۳).

- محرومیت نسبی: محرومیت نسبی، در حقیقت از اختلاف بین آن‌چه فرد می‌خواهد و انتظار دارد با آن‌چه که به دست می‌آورد و همچنین در مقایسه با دیگرانی که او شرایط خود را با آن‌ها مقایسه می‌کند، به دست می‌آید و ممکن است شخص دچار حالتی از احساس محرومیت شود (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۰۰). برای سنجش این متغیر از پاسخگویان خواسته شده است که وضعیت خود و خانواده‌اش را از لحاظ درآمد، وضع زندگی، تحصیلات، اوقات فراغت، با دوستان و نزدیکان خود مقایسه نماید.

- دینداری: در این تحقیق عبارت است از پذیرش تمام یا بخشی از عقاید، احکام و اخلاقیات دین اسلام از سوی فرد و تلاش در جهت عمل به آن‌ها.

- اعتماد اجتماعی: اعتماد اجتماعی به‌عنوان یکی از متغیرهای مستقل این پژوهش است. اعتماد اجتماعی را می‌توان حسن نظر فرد نسبت به سایر اعضای جامعه تعریف کرد که این امر موجب گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با آنان می‌شود (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۱۱). در این پژوهش اعتماد اجتماعی در بر گیرنده‌ی اعتماد به نزدیکان و فامیل و اعتماد به مسئولین است.

یافته‌ها و تحلیل داده‌ها

الف) یافته‌های توصیفی

بنابر یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش، ۲/۱ درصد افراد میزان نشاط پایینی دارند. میزان نشاط در بین ۷۷/۵ درصد افراد در حد متوسط و ۲۰/۴ درصد نیز از میزان نشاط بالایی برخوردارند. این اعداد برای متغیر احساس محرومیت به ترتیب ۶۰/۲، ۲۹/۶ و ۱۰/۲ می‌باشد. در مورد دینداری نیز باید بیان کرد که اکثر افراد (حدود ۸۱ درصد) دارای دینداری بالایی هستند و تنها ۱۹ درصد میزان دینداری پایین یا متوسطی دارند؛ همچنین ۸۷ درصد افراد نیز میزان اعتماد متوسطی دارند. بنابراین به‌طور کلی می‌توان گفت میزان اعتماد در این پژوهش در حد متوسط است. احساس آنومی در بین ۶۷ درصد افراد در حد متوسط است و حدود ۱۶ و ۱۷ درصد افراد به ترتیب احساس آنومی پایین و بالایی دارند.

ب) یافته‌های استنباطی

فرضیه‌ی اول: بین احساس آنومی و میزان نشاط اجتماعی نوجوانان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) رابطه وجود دارد.

جدول ۲ نتایج مربوط به ضریب همبستگی پیرسون بین آنومی و نشاط اجتماعی در بین افراد نوجوانان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) را نشان می‌دهد. همان‌طور که از جدول ۲ پیداست بین احساس آنومی و نشاط اجتماعی در بین افراد نوجوانان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) رابطه‌ی منفی معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده در جدول همبستگی کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ می‌باشد و همبستگی مشاهده شده در این پژوهش ۰/۱۵۰- است، می‌توان گفت که فرضیه‌ی این پژوهش که دلالت بر رابطه‌ی بین احساس آنومی و نشاط اجتماعی در بین نوجوانان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) دارد تأیید می‌گردد.

جدول ۲: نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی اول بر اساس ضریب همبستگی پیرسون

فرضیه‌ی اول	میزان همبستگی	سطح معناداری
رابطه‌ی احساس آنومی و نشاط اجتماعی	-۰/۱۵۰	۰/۰۰۰

فرضیه‌ی دوم: بین احساس محرومیت و میزان نشاط اجتماعی نوجوانان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) رابطه وجود دارد.

جدول ۳ نتایج مربوط به ضریب همبستگی پیرسون بین احساس محرومیت نسبی و نشاط اجتماعی در بین نوجوانان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) را نشان می‌دهد. همان‌طور که از جدول ۳ پیداست بین احساس محرومیت نسبی و نشاط اجتماعی در بین نوجوانان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) رابطه‌ی منفی معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده در جدول همبستگی ۰/۰۰ می‌باشد و همبستگی مشاهده شده در این پژوهش ۰/۳۷۰- است، می‌توان گفت که فرضیه‌ی این پژوهش که دلالت بر رابطه‌ی بین احساس محرومیت نسبی و نشاط اجتماعی در بین نوجوانان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) دارد تأیید می‌گردد.

جدول ۳: نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی دوم بر اساس ضریب همبستگی پیرسون

سطح معناداری	میزان همبستگی	فرضیه‌ی دوم
۰/۰۰۰	-۰/۳۷۰	رابطه‌ی احساس محرومیت نسبی و نشاط اجتماعی

فرضیه‌ی سوم: بین دینداری و میزان نشاط اجتماعی نوجوانان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) رابطه وجود دارد.

جدول ۴ نتایج مربوط به ضریب همبستگی پیرسون بین دینداری و نشاط اجتماعی در بین نوجوانان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) را نشان می‌دهد. همان‌طور که از جدول ۴ پیداست بین دینداری و نشاط اجتماعی در بین نوجوانان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) رابطه‌ی مثبت معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده در جدول همبستگی ۰/۰۰ است و همبستگی مشاهده شده در این پژوهش ۰/۱۹۱ می‌باشد، می‌توان گفت که فرضیه‌ی این پژوهش که دلالت بر رابطه‌ی بین دینداری و نشاط اجتماعی در بین نوجوانان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) دارد تأیید می‌گردد.

جدول ۴: نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی سوم بر اساس ضریب همبستگی پیرسون

سطح معناداری	میزان همبستگی	فرضیه‌ی سوم
۰/۰۰۰	۰/۱۹۱	رابطه‌ی دینداری و نشاط اجتماعی

فرضیه‌ی چهارم: بین اعتماد اجتماعی و میزان نشاط اجتماعی نوجوانان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) رابطه وجود دارد.

جدول ۵ نتایج مربوط به ضریب همبستگی پیرسون بین اعتماد اجتماعی و نشاط اجتماعی در بین نوجوانان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) را نشان می‌دهد. همان‌طور که از جدول ۵ پیداست بین اعتماد اجتماعی و نشاط اجتماعی در بین افراد نوجوانان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) رابطه‌ی مثبت معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده در جدول همبستگی کمتر از سطح معناداری ۰/۰۱ کمتر می‌باشد و همبستگی مشاهده شده در این پژوهش ۰/۴۵۵ می‌توان گفت که فرضیه‌ی این پژوهش که دلالت بر رابطه‌ی بین اعتماد اجتماعی و نشاط اجتماعی در بین نوجوانان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) دارد تأیید می‌گردد.

جدول ۵: نتیجه‌ی آزمون فرضیه‌ی چهارم بر اساس ضریب همبستگی پیرسون

سطح معناداری	میزان همبستگی	فرضیه‌ی چهارم
۰/۰۰۰	۰/۴۵۵	رابطه‌ی اعتماد اجتماعی و نشاط اجتماعی

فرضیه‌ی پنجم: بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، درآمد خانوار و محل سکونت) و میزان نشاط اجتماعی نوجوانان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) رابطه وجود دارد.

جدول ۶: نتیجه‌ی آزمون متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	نوع آزمون	سطح معناداری	نتیجه‌ی فرضیه
سن	پیرسون	۰/۰۲۱	تأیید
جنس	آزمون t	۰/۴۹۷	رد
درآمد خانواده	پیرسون	۰/۰۰۱	تأیید
محل سکونت	آزمون F	۰/۱۸۴	رد

جدول ۶ نتایج مربوط به آزمون متغیرهای زمینه‌ای را با متغیر وابسته در این پژوهش نشان می‌دهد. با توجه به نتایجی که در جدول بالا به دست آمده است بین تنها رابطه‌ی بین سن پاسخگویان و درآمد خانواده‌ی پاسخگویان با متغیر نشاط اجتماعی آنان معنادار می‌باشد ولی رابطه‌ی سایر متغیرهای زمینه‌ای با متغیر نشاط اجتماعی رد شده است.

رگرسیون چند متغیره

در این بخش از تحلیل به بررسی روابط چندگانه بین متغیرها پرداخته می‌شود؛ و هدف این قسمت یافتن میزان و سهم اثر متغیرهای مستقل در تبیین نشاط اجتماعی نوجوانان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) می‌باشد. به سخن دیگر با استفاده از رگرسیون چند متغیره، به تعیین و پیش‌بینی درصد واریانس رعایت نظم و انضباط در بین دانش‌آموزان پرداخته می‌شود، که در این تحلیل این کار از طریق وارد کردن متغیرهای مستقل مهم در رگرسیون چند متغیره و برآورد میزان آن انجام داده می‌شود.

نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که فرضیه‌ی ما مبنی بر وجود رابطه‌ی چندگانه بین متغیرهای مستقل با نشاط اجتماعی نوجوانان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) معنادار است. ضریب همبستگی چندگانه بین متغیرهای مستقل مذکور و نشاط اجتماعی نوجوانان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) $MR = 0/670$ و ضریب تعیین $R^2 = 0/449$ است. بدین معنا که با ورود متغیرهای مستقل به معادله‌ی رگرسیون ۴۴۹ درصد از واریانس متغیر وابسته تبیین می‌شود که در سطح ۰/۰۱ معنادار است. برای تعیین میزان اثرگذاری هر یک از متغیرها بدین شرح است که اثر اعتماد اجتماعی ($= 0/357$)، درآمد ($= 0/420$) و احساس محرومیت نسبی ($= -0/227$) معنادار است؛ به عبارت دیگر این سه متغیر بیشترین سهم را در تبیین واریانس متغیر نشاط اجتماعی نوجوانان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) دارند.

جدول ۷: رگرسیون با روش ورود مکرر (Enter)

متغیرها	T	S	سطح معناداری
اعتماد اجتماعی	۶/۵۷۷	۰/۲۶۷	۰/۰۰۱
درآمد	۷/۹۵۰	۰/۳۰۷	۰/۰۰۱
احساس محرومیت نسبی	-۳/۴۱۷	-۰/۲۲۷	۰/۰۰۱

بحث و نتیجه‌گیری

به‌طور کلی اهمیت نشاط در زندگی خانوادگی و فعالیت‌های اجتماعی تا بدان حد است که می‌توانیم بگوییم اگر نشاط اجتماعی در میان اعضای جامعه نباشد یا اندک باشد رفتارها و تعاملات روابط میان افراد جامعه به درستی صورت نمی‌گیرد؛ به این فاصله که اندیشمندان اعتقاد دارند افراد با نشاط روابط اجتماعی خود را به درستی انجام می‌دهند و در برخورد با افراد جامعه با خوشرویی برخورد می‌کنند و همچنین در ایجاد روابط با دیگران بهتر عمل می‌کنند. اهمیت نشاط در انسان‌ها تا بدان حد است که حتی این موضوع از طرف پیامبران و ائمه مورد توجه قرار گرفته بود. از این رو مادامی که شهروندان احساس شادی کنند، همواره در خدمت به شهر و افراد جامعه اهتمام بیشتری می‌ورزند.

در این راستا این پژوهش به دنبال بررسی میزان نشاط اجتماعی نوجوانان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) شهر پلدختر و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، با روشی پیمایشی در بین ۲۱۹ نفر نوجوانان دختر و پسر بود. در پایان پیشنهاداتی جهت افزایش میزان نشاط اجتماعی در بین آنان ارائه گردید. تحلیل فرضیه‌ی نخست مربوط به بررسی رابطه‌ی بین احساس آنومی و نشاط اجتماعی نشان داد که بین این دو متغیر رابطه‌ی منفی معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه در این پژوهش این فرضیه تأیید شده است می‌توان این‌گونه تشریح نمود که هر چه افراد با احساس آنومی بیشتری در جامعه سر کنند انتظار کمتری نیز باید داشت که آن‌ها احساس شادی کنند. با این تفاسیر نتایج به دست آمده در این فرضیه با نظریه‌ی امیل دورکیم که ادعا می‌کند آنومی منجر به فروپاشی یکپارچگی اجتماعی و همچنین بی‌ریشگی، ایزوله شدن افراد در اجتماع و افزایش میزان خودکشی (بالمان، ۲۰۰۰) می‌شود، مطابقت دارد.

بر اساس دیدگاه محرومیت نسبی، فرد به مقایسه‌ی خود با افراد دیگر و گروه مرجع دست می‌زند و دوست دارد که شرایط مشابه با آن‌ها را داشته باشد و اگر در نتیجه‌ی مقایسه برای فرد چنین پنداشتی بروز نماید که بر اساس میزان سرمایه‌گذاری و تلاش، پاداش و نتیجه‌ای که عایدش شده، در مقایسه با دیگران عادلانه و منصفانه نیست، دچار احساس محرومیت نسبی می‌گردد. بنابراین با توجه به نتیجه‌ی فرضیه‌ی دوم، می‌توان این‌گونه استنباط نمود که نتیجه‌ی این فرضیه با نظریه‌ی مرتون و نظریه‌ی احساس محرومیت نسبی گار مطابقت دارد و نتایج آن را تأیید می‌کند. پژوهش هزارجریبی و آستین‌فشان (۱۳۸۸)، نیز به اثبات رابطه‌ی بین احساس محرومیت نسبی و نشاط اجتماعی پرداخته است.

تحلیل فرضیه‌ی سوم این پژوهش نشان داد که بین دینداری پاسخ‌گویان و میزان نشاط آنان رابطه‌ی مثبت معناداری وجود دارد. بدین ترتیب که با بالا رفتن سطح دینداری نوجوانان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره)، میزان نشاط اجتماعی آنان نیز بالا می‌رود. نتایج این فرضیه با نظریه‌های سلیگمن و اینگلهارت، مطابقت دارد. اینگلهارت معتقد است که سطوح بالای مذهب با سطوح بالای بهزیستی ذهنی (نشاط) همراه است.

سلیگمن نیز معتقد است مذهب ارائه‌دهنده‌ی یک نظام منسجم اعتقادی است که به انسان آرامش می‌دهد و موجب می‌شود تا کمتر به انحراف گرایش پیدا کند. پژوهش شارما و ماله هوتر (۲۰۱۰)، نیز به اثبات رابطه‌ی مثبت بین این متغیر و نشاط اجتماعی پرداخته است. در فرضیه‌ی چهارم فرض بر این بود که بین اعتماد اجتماعی و نشاط اجتماعی رابطه‌ی مثبت معناداری وجود دارد. نتایج نشان داد که یک همبستگی مثبتی بین این دو متغیر وجود دارد به طوری که هر چه افراد در اجتماع از میزان اعتماد بالاتری برخوردار باشند می‌توانند نشاط افزون‌تری را نیز تجربه کنند. با توجه به این تفاسیر می‌توان گفت که نتایج به دست آمده با نظریه‌ی گیدنز گرفته مطابقت می‌کند. زیرا گیدنز معتقد است که اعتماد به نظام‌های انتزاعی، خصوصاً نظام‌های تخصصی، باعث احساس امنیت، آرامش و نشاط و فقدان این اعتماد موجب احساس دلهره و اضطراب خواهد بود. پژوهش چلبی و موسوی (۱۳۸۸)، نیز به این متغیر پرداخته است.

متغیرهای زمینه‌ای نیز نشان می‌دهند که رابطه‌ی بین سن پاسخگویان و درآمد خانواده‌ی پاسخگویان با متغیر نشاط اجتماعی آنان معنادار می‌باشد. با افزایش سن و میزان درآمد پاسخگویان میزان نشاط اجتماعی نیز در آنان افزایش می‌یابد. این در حالی است که پژوهش محسنی (۱۳۷۹)، فقط به اثبات رابطه‌ی بین درآمد خانوار و نشاط اجتماعی پرداخته است.

پیشنهادات عملی پژوهش

۱. با توجه به رابطه‌ی معنادار بین احساس محرومیت و نشاط باید توجه به کاهش احساس محرومیت در بین افراد تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) در رأس برنامه‌های کمیته‌ی امداد قرار گیرد.
۲. با توجه به میزان نشاط اجتماعی در بین پاسخگویان باید به دنبال ابزارهای افزایش نشاط اجتماعی از قبیل تغییر کیفیت زندگی و سبک زندگی این اقشار آسیب‌دیده بود.

۳. در سیاست‌گذاری کلان اجتماعی باید توجه افزون‌تری به راه‌های کاهش احساس انومی نمود. زیرا با توجه به نتیجه‌ی معنادار رابطه‌ی بین احساس انومی و نشاط اجتماعی ضرورت دارد که به کاهش احساس انومی و شناسایی ابزارهای کاهش آن توجه لازم نمود.

۴. بهتر است که به تقویت بنیان‌های دینی افراد در جامعه توجه بیشتری شود. زیرا در این پژوهش ما به این نتیجه رسیدیم که بین میزان دینداری و نشاط اجتماعی پاسخگویان رابطه‌ی مثبت معناداری وجود دارد.

فهرست منابع:

- آرگایل، مایکل (۱۳۸۲). روانشناسی شادی، ترجمه‌ی فاطمه بهرامی، حسن پالاهنگ و مسعود گوهری، اصفهان: جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.
- ازکمپ، استوارت (۱۳۷۳). روان‌شناسی اجتماعی کاربردی، ترجمه‌ی فرهاد ماهر، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۸۰). "اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن"، نمایه‌ی پژوهش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال پنجم، شماره‌ی ۱۸.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته‌ی صنعتی، ترجمه‌ی مریم وتر، تهران: کویر.
- چلبی، مسعود و موسوی، سید محسن (۱۳۸۸). "بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان"، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی نهم، شماره‌ی ۱. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۷). آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران: نشر سروش.
- ربانی، رسول؛ ربانی، علی؛ عابدی، محمدرضا و گنجی، محمد (۱۳۸۸). "فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره‌ی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان"، فصلنامه‌ی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره‌ی ۳.
- شریفی، خدیجه؛ سوکی، زهرا؛ تقریبی، زهرا و اکبری، حسین (۱۳۸۹). "وضعیت نشاط و عوامل مرتبط با آن در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سال تحصیلی ۸۶-۸۵، فیض، دوره‌ی ۱۴، شماره‌ی ۱.
- شهیدی، شهریار (۱۳۸۸). روانشناسی شادی: آشنایی با آخرین نظریه‌ها و پژوهش‌های علمی، تهران: نشر قطره.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹). بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران. تهران: شورای فرهنگ عمومی.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کیا، علی‌اصغر و امیری، رقیه (۱۳۹۱). "بررسی میزان نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در بین شهروندان ۶۴-۱۵ سال شهر اهواز"، فصلنامه‌ی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه‌ی اجتماعی، شماره‌ی ۱۵.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیت، ترجمه‌ی محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.

هزارجریبی، جعفر و آستین فشان، پروانه (۱۳۸۸). "بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی (با تأکید بر استان تهران)"، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۱.

Bulmahn, T. (2000). "Modernity and Happiness-the case of German", *Journal of Happiness Studies* (1) 375-400.

Carr, A. (2004). *Positive Psychology*. Hove and New York: Brunner-Routledge.

Diener, E., Suh, E. M., Lucas, R. E., & Smith, H. L. (1999). "Subjective well-being three decades of well-being", *Psychological Bulletin*, 125 (2): 276-302.

Fujita, F., Diener, E., & Sandvic, E. (1991). "Gender differences in negative affect and well-being: the case for emotional intensity", *Journal of Personality & Social Psychology*, 61 (3): 427-434.

Guyen, C., Sorensen, Bent E. (2007). "Subjective well-being: Keeping up with the Joneses", *JEL Classification* (14). 1-36.

Norris, P. and R. Inglehart (2004). *Sacred and Secular: Religion and Politics Worldwide*. Cambridge: Cambridge University Press.

Rego, A., Cunha, Miguel P. (2009). "How individualism/Collectivism orientations predict happiness in a collectivistic context", *Journal of Happiness studies* (10). 19-35.

Sharma, A., Malhotra, D. (2010). "Social-Psychological Correlates of Happiness in Adolescents", *European Journal of Social Science* (12), 651-662.

Snoep, L. (2008). "Religious and happiness in three nations: a research note", *J Happiness stud* (9). 207-211.